

از هوادار گرفته تا بازیکن، مربی و مسئول

ویرانه اخلاق فوتبال

گزارش یک فریدون حسن

حواشی و بی‌اخلاقی‌ها فاصله گرفته خیلی زشت است فوتبال ایران بامدبران همیشه مدعی مغرورش هنوز درگیر حاشیه‌های اخلاقی، رفتارهای زشت، زنده و حر کاتی باشد که دیگر هیچ نشانی از آن در فوتبال جهان دیده نمی‌شود.

فوتبال هم مانند بسیاری دیگر از مقوله‌های اجتماعی اول وارد شد. تفاوتش این است که مقوله‌های دیگر اول وارد شدند، بعد مسئولان به فکر فرهنگ‌سازی در خصوص آنها افتادند اما در فوتبال هنوز فکری به حال این موضوع نشده است و قرار هم نیست بشود، به هر حال سفره‌ای برای لغت و لیس برخی‌ها پهن شده است، نباید جمع شود و این عده که هیچ‌گاه از فوتبال کنده هم نمی‌شوند، تا وقتی شرایط اینگونه بماند می‌توانند از کنار فوتبال ثروت‌اندوزی کنند. هر چه حاشیه بیشتر، درآمد اینها بیشتر و جیب‌شان پرپول‌تر.

بارها گفته شده و رسانه‌ها اسناد آن را هم منتشر کرده‌اند که فدراسیون فوتبال چه در آمد کلانی از حاشیه‌ها، بی‌انضباطی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها دارد، پس چرا باید جلوی آن را بگیرد. اینکه آقایان حرف از اخلاقمداری بزنند، فقط و فقط یک نمایش مسخره برای فریب افکار عمومی است. اصلاً گذاشتن پسوندی به نام فرهنگ کنار نام فوتبال ایران کاری بی‌معنی است؛ فوتبالی که باشگاه‌هایش هم این پسوندد را کنار نام خود دارند اما اگر شما کاری فرهنگی از این باشگاه‌ها پیدا کردید، حداقل به ما هم بگویید تا متوجه شویم. باشگاه‌هایی که هیچ‌کدام کانون هوادار ندارند و

نیمکت‌های بی‌اخلاق، بازیکنان ناهنجار

گزارش ۲ شیوانوروی

مربی هستتید یا بازیکن، زمانش که برسد جوری از خجالت طرف مقابل درمی‌آیند یا حرف‌هایی می‌زنند که همه هواداران و رسانه‌ها انگشت به دهان می‌مانند.

در این سال‌ها که به لیگ ایران لقب «برتر» داده‌اند، بسیاری از آنها که دم از حرفه‌ای‌بودن می‌زنند و رقم قرارداشده‌شان نجومی‌تر از حد تصور بوده و است، با رفتارهای‌شان داخل و خارج زمین ثابت کرده‌اند حتی آماتور هم نیستند، چه برسد به حرفه‌ای بودن. عملاً بی‌کفایتی در امور مدیریتی به جایی رسیده است که احتمال جاروجنجال قبل و بعد از بازی‌های که هم‌کمیت نیز وجود دارد. در حقیقت اگر به مربیان و بازیکنان ما رفتار صحیح و حرفه‌ای فوتبال را آموزش می‌دادند، شرایط اقتدر بحرانی نمی‌شد که قبل از شروع بازی تیم‌ها به جان هم می‌فکند یا مربی یک تیم به خود اجازه دهد حرف‌های شنیع را با افتخار بر زبان بیاورد.

لیگ‌بر تر ایران بهشت فوتبالی‌های پر حاشیه است. آنها با

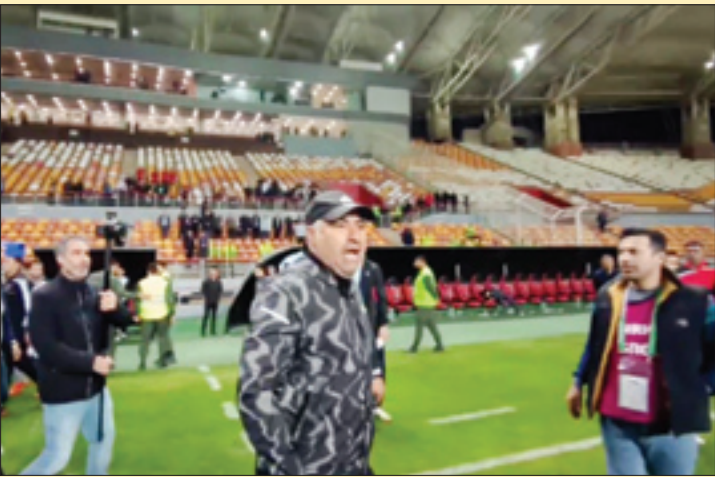


گران‌ترین قیمت‌ها قرار داد می‌بندند و هزار و یک تبصره و آپشن تشویقی نیز به نفع خود در قرار دادهای‌شان درج می‌کنند ولی به اندازه یک سر سوزن بابت رفتارهای‌شان مسئولیت‌پذیری ندارند و از کنترل باشگاه‌ها نیز خارج است، در حالی که در فوتبال روز دنیا و در همان لیگ‌هایی که دستمزدهای کلان پرداخت می‌کنند، باشگاه‌ها در قبال کوچک‌ترین حاشیه‌سازی و جنجالی ساکت نمی‌مانند و شدیدترین جریمه‌ها و محرومیت‌ها را برای اعضای تیم‌شان در نظر می‌گیرند. در فوتبال ما اما فقط رقم دستمزدها میلیونابیلیارد افزایش می‌یابد و دریغ از یک ذره پیشرفت فرهنگی، اخلاقی و رفتاری!

مربیان که قاعدتاً از نظر سن و تجربه بالاتر از بازیکنان هستند،

مربیان و بازیکنانش هیچ نشانی از اخلاقمداری و فرهنگ دیده نمی‌شود، حتی اگر به ظاهر پیشرفت هم کند، بازهم همه چیز را باخته و حتی پیشرفتشان را هم نباید باور کرد.

آنچه امروز در ورزشگاه‌های ایران دیده می‌شود، نمونه کامل بی‌اخلاقی و بی‌فرهنگی است که هر هفته به اسم فوتبال جلوی چشم بزرگ و کوچک



این کشور نمایش داده می‌شود؛ نمایشی همگانی تا همه ببینند چگونه فوتبال پول می‌گیرد و تنها فحاشی را اشاعه می‌دهد. فوتبالی که سرمربی یکی از تیم‌هایش با زشت‌ترین الفاظ همکار خود را خطاب قرار می‌دهد، حتماً بازیکنش هم بعد از گلزنی هر کار دلش بخواهد می‌کند و حتماً هوادانش هم با خیال راحت هر که را بخواهند مورد عنایت قرار می‌دهند.

یار دوازدهم دیگر قوت قلب نیست

هم باید از ادامه بازی امتناع می‌کردند، اما داستان به همین‌جا ختم نشد و دلخوری هواداران پر سربولیس به درگیری روی سکوهاجامید و هواداران دو تیم به جان یکدیگر افتادند و از خجالت هم در آمدند، به طوری که بعد از بازی اوزرانش تهران اعلام کرد ۲۲ نفر در جریان این بازی به خاطر سنگ‌پرانی‌ها مصدوم شدند، اما تلخ‌ترین حادثه برای محمدجواد عبده رخ داده بود که به دلیل سنگ‌پرانی‌ها چشم‌چپ خود را از دست

داده، هواداری که در سکوی دوم حضور داشت و گفت هنگام جابه‌جایی سنگی از سوی هواداران تراکتور به سمت او پرتاب شده و چون عینک به چشم داشته، شیشه عینک شکسته و به چشمش رفته تا برای همیشه بینایی خود را از دست دهد، البته که هوادار دیگری هم به دلیل برخورد سنگ به جمجمه‌اش در کما بود و در نهایت پزشکان ناچار به برداشتن بخشی از جمجمه او شدند.

موارد بالا بدون شک تلخ‌ترین اتفاقات این فصل از رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران (قبل از پایان) است. متأسفانه تمام درگیری‌ها در همین چند مورد خلاصه نمی‌شود و در اکثر مسابقات لیگ شاهد حاشیه‌های زیادی از سوی هواداران تیم‌ها هستیم؛ حاشیه‌هایی که تا پیش از این شاید به چند



بازی حساس لیگ از جمله دربی تهران و شمال، مصادف پرسپولیس با سپاهان یا تراکتور ختم می‌شد اما حالا دیگر عمده بازی‌ها را شامل می‌شود. برای نمونه می‌توان به دیدار دو تیم ناساجی و تراکتور اشاره کرد که به میدان جنگ تبدیل شده بود و هواداران تبریزی بر این باور بودند حریف از قبل پیش‌بینی اتفاقات را کرده بود، به همین دلیل هم برخلاف بازی‌های قبلی در آن دیدار بانوان اجازه حضور نداشتند. در این بازی هواداران دو تیم از ابتدای بازی با یکدیگر درگیر بودند و علیه یکدیگر و بازیکنان حریف شعار می‌دادند اما بعد از پایان بازی با تئسای‌ای که نه به مزاج تراکتوری‌هاخوش آمد و نه نساچ میزبان، اوضاع به مراتب بدتر شد و هواداران با شکستن صندلی‌های ورزشگاه یکدیگر را هدف قرار می‌دادند؛ درگیری‌هایی که به بیرون از ورزشگاه و تخریب اتومبیل‌های هواداران هم کشید تا صحنه‌هایی تأسفبار و زشت از فوتبال ایران و تماشاگرانش به تصویر بکشد.

تقریباً می‌توان گفت در اکثر بازی‌های این فصل درگیری‌های ناشی از شعارها و رفتارهای تحریک‌آمیز از روی سکوها و پرتاب اشاع و تنش میان تماشاگران گزارش شده است؛ تنش‌هایی که گاه به شبکه‌های اجتماعی نیز کشیده شده و نهایتاً با

سال‌ها گفتیم و شنیدیم و پر داشتیم که هواداران، یار دوازدهم فوتبال ایران

هستند، اما طی سال‌های اخیر یار دوازدهم در قد و قامت دشمن قسم‌خورده فوتبال به شدت متأثر و متأسفم می‌کند.

فوتبال ایران طی سال‌های اخیر شاهد اتفاقات و حوادث تلخی روی سکوها و در بین هواداران بوده است؛ اتفاقاتی تلخ و تأسفیکار که نه تجربه شده و نه درسی که بتوان برای همیشه مانع از تکرار آن شده، به طوری که بعد از سال‌ها، بار دیگر شاهد کور شدن یک هوادار روی سکوها بودیم؛ اتفاقی که داستان تلخ سرباز احمدی را یادآور شد و این واقعیت را به رخ کشید که فوتبال ایران قصد ندارد با درس گرفتن از تجربیات تلخ خود، در سبیری متفاوت گام بردارد.

نخستین اتفاق تلخی که اسمال روی سکوها رخ داد به شهرپور ماه و بازی سپاهان- ملوان برمی‌گردد. تیمی از نیمه نخست بازی سپری شده بود که جنب‌وجوش هواداران بازیکنان را حساس کرد. مرضی خاخی، هوادار ۶۳ ساله ملوان که اکثر



بازیکنان تیم او را خوب می‌شناختند، قلبش ایستاده بود اما نه مأموران اجازه باز شدن درها را می‌دادند و نه داوود رفتی، ناظر بازی اجازه توقف بازی را می‌داد. خبری از آمبولانس نبود و دکتر ملوان ناچار شد بالای سر عموم رفتی حاضر شود. بعدها گفتند دو دستگاه آمبولانس در ورزشگاه حضور داشته که اگر بود هم آنقدر دیر بالای سر هوادار ملوان حاضر شد که کار از کار گذشت و هوادار شوک‌زده تا دقایقی با شعارهای «مرد، مرد» اعتراض خود را بیان می‌کردند. در پی این اتفاق ناظر بازی با محرومیتی سنگین مواجه شد اما این حکم نتوانست جان دوباره به هوادار تیغوسی ملوان بدهد.

یکی دیگر از اتفاقات تلخ و ناگواری که در جریان رقابت‌های لیگ بیست‌وچهارم روی سکوها رخ داد، کور شدن هوادار پرسپولیس بود؛ اتفاقی که در جریان بازی جنجالی پرسپولیس- تراکتور در آزادی رخ داد؛ دیداری که با اتفاقات تأسفبار بسیاری همراه بود که غیرقابل پیش‌بینی نبود و می‌شد با تدابیر امنیتی بیشتر از شدت آن کاست. با توجه به جدایی برخی بازیکنان سابق پرسپولیس و پیوستن‌شان به تراکتور پرواضح بود که دیدار این دو تیم حساس‌تر از از خواهد، دنبال خواهد شد. اما آنچه این دیدار را بیش از هر زمان دیگری حساس و جنجالی کرده بود، داستان بیرانوند بود و صحبت‌های تحریک‌آمیز مدیران دو تیم. شرایط به گونه‌ای بود که تقریباً می‌توان گفت در اکثر دقایق بازی پرسپولیسی‌ها در حال فحاشی به دروازه‌بان سابق خود بودند که این بار درون چارچوب دروازه تراکتور ایستاده بود. شرایط به قدری تأسفیکار بود که بسیاری بعد از بازی گفتند حتی بازیکنان پرسپولیسی